

Abstract

In the early years of the ۲۱st century, the Middle East has undergone various changes, such as ۹/۱۱, the invasions of Iraq and Afghanistan, the Arab revolutions, and the presence of ISIS. These developments have a profound effect on Iran's regional position and, consequently, its foreign policy. In order to study Iran's foreign policy and with the aim of examining Iran's regional position from ۲۰۰۱ to ۲۰۱۸, using neo-realist theory, we seek to answer the question that what is the role of the foreign policy of the Islamic Republic of Iran in its regional position? The hypothesis raised in response to this question is that the ideological and ideological foreign policy of Shiite Islam in order to export the revolution of the Islamic Republic of Iran creates the ground for widespread conflicts with major regional and trans-regional actors and leads to the success of the Iranophobia project. It has been eroded by the enemies and has created the ground for the erosion of Iran's power in the economic, military and political fields. There have been numerous limitations, such as not being present in all countries in the region, lack of access to first-hand and confidential information, and time constraints on obtaining research results. The results of this article are necessary because the ideological foreign policy of the Islamic Republic of Iran has caused identity conflicts with countries in the region (Qatar, Saudi Arabia and Israel) and trans-regional countries (US) and this situation has a direct impact on the erosion of Iranian power in the military, economic and political issues.

تأثیر سیاست خارجی بر جایگاه منطقه ای ایران (۲۰۱۸-۲۰۰۱)مرتضی رحیمی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۶

رضا سیمبر^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۱

چکیده

منطقه ی خاورمیانه در سال های ابتدایی قرن ۲۱ آبهستن تغییرات گوناگونی مانند حادثه یازده سپتامبر، حمله به عراق و افغانستان، انقلاب های عربی و حضور داعش بوده است که این تحولات، تأثیرات شگرفی بر جایگاه منطقه ای ایران و بالتبع سیاست خارجی آن داشته است. در راستای بررسی سیاست خارجی ایران و با هدف بررسی جایگاه منطقه ای ایران در سال های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۸ با استفاده از نظریه ی نواواقع گرایی در پی پاسخ به این سؤال هستیم که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران چه نقشی در جایگاه منطقه ای آن دارد؟ فرضیه ی مطرح شده در پاسخ به این سؤال عبارت است از اینکه سیاست خارجی ایدئولوژی محور و ترویج گرای اسلام شیعی در راستای صدور انقلاب جمهوری اسلامی ایران زمینه تعارضات گسترده با بازیگران عمده منطقه ای و فرامنطقه ای را ایجاد می کند و موجب موفقیت پروژه ایران هراسی از سوی دشمنان شده است و زمینه فرسایش قدرت ایران در زمینه های اقتصادی، نظامی و سیاسی را ایجاد کرده است. محدودیت های بیشماری مانند عدم حضور در همه ی کشورهای منطقه و عدم دسترسی به اطلاعات دست اول و محرمانه و محدودیت زمان در راه حصول به نتیجه ی تحقیق وجود داشته است. نتایج این مقاله از این جهت ضرورت دارد که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به دلیل عدم درک صحیح از منافع و ایدئولوژی باعث تعارض های هویتی با کشورهای منطقه (قطر، عربستان و اسرائیل) و کشورهای فرامنطقه ای (آمریکا) شده است و این وضعیت تأثیر مستقیمی بر فرسایش قدرت ایران در عرصه های نظامی، اقتصادی و سیاسی داشته است.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، جایگاه منطقه ای، ایران هراسی، خاورمیانه، نواواقع گرایی

^۱دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه گیلان morteza.rahimi69@gmail.com

^۲استاد تمام گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه گیلان rezasimbar@hotmail.com

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران پیش از انقلاب، کشوری در اردوگاه غرب بود که با هزینه های سنگین سیاسی و اقتصادی جایگاه ژاندارمی منطقه را به دست آورده بود. تحلیل شاه این بود که با توجه به همسایگی ایران با سردمدار اردوگاه کمونیسم، استقلال و پیشرفت ایران در گرو تبعیت تام از ابر قدرت جهان سرمایه داری است. فقدان مشروعیت داخلی نیز عملاً برای رژیم پهلوی چاره ای جز تکیه به قدرت های جهانی باقی نمی گذاشت. پس از انقلاب اما با تغییر کامل نخبگان حاکم و بویژه با تغییر جهان بینی حاکمیت که با پشتیبانی گسترده مردمی نیز همراه بود، نفی سلطه گری و سلطه پذیری به عنوان اصل اساسی سیاست خارجی کشور تبدیل شد. نتیجه تغییر بنیادین ایدئولوژی حکومت در ایران و یافتن ماهیت الهی و مذهبی آن، این بود که کشور ایران به بزرگترین منتقد مناسبات بین المللی حاکم تبدیل شود. از این رو نقشی که ایران هم اکنون در سپهر سیاست جهانی برای خود تعریف کرده همکاری با دیگر کشورهای منتقد وضع موجود نظام بین المللی سلطه برای تحقق آزادی و عدالت در سطح بین المللی است.

اکنون که جمهوری اسلامی ایران بزرگترین منادی ضدیت با نظام بین المللی حاکم است اما عملاً منطقه شاهد یک ائتلاف منطقه ای و فرامنطقه ای علیه ایران است. آنچه این کشورها را به ترس از ایران واداشته ماهیت فرهنگی و ارزشی انقلاب اسلامی است که طی سی سال گذشته در میان مردم و ملت های منطقه رسوخ کرده و حکمرانان مستبد این کشورها و حامیان غربی آنها را نگران کرده است.

از جمله قدرت های منطقه ای رقیب با جمهوری اسلامی ایران؛ ترکیه، عربستان و اسرائیل هستند که درصدد رسیدن به قدرت اول منطقه می باشند. در این راستا هدف این مقاله بررسی رویکرد جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی خود در رقابت با این کشورها در حوزه های قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی است. علاوه بر این، این کشورها به خصوص اسرائیل و عربستان از حمایت های آمریکا به عنوان قدرتی برتر در سطح فرامنطقه ای برخوردار می باشند.

در راستای این موضوع کارهایی مانند مقاله حمید پیشگاه هادیان (۱۳۸۸) مناسبات جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی و عراق پس از ۱۱ سپتامبر، ایران یک قدرت منطقه ای است: (Nabil Shokri, ۲۰۱۵)، ترکیه و ایران: دو قدرت منطقه ای و پاندول روابط (Gallia M Lindenstrauss, ۲۰۱۸)، سیاست منطقه ای ایران: منافع، چالش ها و جبران ها (Sara Bazoobandi, ۲۰۱۴) انجام شده است.

فرق این مقاله با سایر کارهای صورت گرفته این است که در این مقاله به بررسی سیاست خارجی ایران و ارتباط آن با ایدئولوژی اسلامی شیعی که خواهان برقراری روابط مسالمت آمیز با سایر کشورهای منطقه است، پرداخته می شود و در این راستا نقش مهمترین رقیب ایران در منطقه (عربستان) و رقیب فرامنطقه ای (مانند آمریکا) در سیاست خارجی ایران و یا حتی در سیاست های سایر کشورهای منطقه نسبت به ایران بررسی می شود. در این خصوص کارهای صورت گرفته قریب به اتفاق با استفاده از نظریه ی سازه انگاری به بررسی سیاست ایران و ایدئولوژی اش پرداخته اند، این تحقیق به بررسی این موضوع از منظر

واقع گرایي پرداخته است و سياست های شيعی و صدور انقلاب را در راستای قدرت و منافع ملی ايران در منطقه مورد بررسی قرار می دهد و اولويت را بر منافع ملی ايران می گذارد.

فرضيه رقيب در اين مقاله که همانا نظر رسمی جمهوری اسلامی ايران است، عبارت است از اینکه جمهوری اسلامی ايران از طريق سياست خارجی ایدئولوژی محور خود موجب گسترش صلح و همراهی با اکثر کشورهای منطقه ای گردیده است و افزایش ايران هراسی در بين کشورهای منطقه از سوی عربستان و کشورهای رقيب منطقه ای ايران و يا آمریکا به عنوان قدرت رقيب فرامنطقه ای ايران بوده است و ارتباطی با سياست خارجی ایدئولوژی محور و ترویج گرای اسلام شيعی در راستای صدور انقلاب جمهوری اسلامی ايران ندارد.

شکل گیری اين موضوع در بين کشورهای منطقه و با ترغیب امریکا، منجر به شکل گیری ايران هراسی در منطقه و تشکیل ائتلافی ضد ایرانی در اين راستا شده است که هزینه های ايران را در پیگیری اهداف سياست خارجی خود نیز بیشتر می کند. بنابراین ائتلافی عليه ايران و در اثر هراس واقعی و تصوری از ايران در منطقه شکل گرفته است. غرب، اعراب و اسرئیل به دلایلی مشترک و متفاوت، ايران را تهدید تصور می کنند و از همین رو است که ائتلافی عليه ايران شکل داده اند.

روش

روشی که پژوهش حاضر را بر اساس آن انجام می دهیم، تحلیلی - توصیفی است؛ بدین صورت که داده های مختلفی را که به طرق مختلف گردآوری کرده ایم شرح می دهیم. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات در اين مقاله به صورت کیفی و تاریخی - تحلیلی است. ابزار گردآوری داده ها در اين پژوهش مبتنی بر فیش برداری است.

چارچوب نظری

واقع گرایی جهان واقعی را بدون قراردادهای بین المللی، پر هرج و مرج و آنارشیک می داند (مشیرزاده، ۱۳۹۲: ۳۳). واقع گرایی نئوکلاسیک به دو گونه ی تهاجمی^۱ و تدافعی^۲ تقسیم می شود نظریه واقع گرایی تهاجمی مانند واقع گرایی تدافعی شاخه ای از نوواقع گرایی محسوب می شود. در نگاه واقع گرایان تهاجمی، آنارشی بین المللی حائز اهمیت زیادی است. در اين جهان دولت های خردورزی که به دنبال امنیت هستند به انجام اقداماتی تمایل دارند که ممکن است به تعارض با دیگران منجر شود و چون کسب قدرت دولتی به معنای از دست رفتن قدرت دولت دیگر است، درخواست قدرت نسبی دولت ها را وادار به بازی با حاصل جمع صفری می کند که نتیجه مختوم اين بازی تضاد و کشمکش است (صادقی و دیگران، ۱۳۹۵: ۵).

^۱ - Offensive

^۲ - Defensive

مفهوم پایه‌ی واقع‌گرایی تهاجمی این است که رفتار کشورها و حتی قدرت‌های بزرگ ریشه در یک ترس ذاتی در مورد ادامه بقا و تهدید دیگر کنشگران دارند که این ترس از ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل برمی‌خیزد (سلیمی، ۱۳۸۴: ۴۰). هنگامی که یک دولت قوی‌تر می‌شود، تلاش می‌کند نفوذ خود را افزایش داده و محیط پیرامون و بین‌المللی خود را کنترل کند؛ بنابر این دولت‌ها در مواردی که تصمیم‌گیرندگان اصلی آنها تصور کنند توانمندی نسبی کشور بیشتر شده است، راهبردهای تهاجمی و با هدف پیشینه‌سازی، نفوذ را دنبال خواهند کرد (عباسی، ۱۳۹۴: ۱۰۴).

در مجموع، واقع‌گرایی تهاجمی معتقد است، از آن جا که امنیت و بقا هرگز در سیستم بین‌الملل تأمین نمی‌گردد؛ دولت‌ها خواهان دستیابی به حداکثر امنیت با افزایش قدرت نسبی خود می‌باشند، افزایشی که سود آن از هزینه اش بیش تر است (قاسمی، ۱۳۹۱: ۱۰۶).

برخلاف واقع‌گرایی تهاجمی، فرض واقع‌گرایان تدافعی این است که آنارشی بین‌المللی معمولاً خوش‌خیم است، یعنی امنیت چندان نایاب نیست. در نتیجه، دولت‌ها رفتار تهاجمی نخواهند داشت و تنها در شرایطی که احساس کنند تهدیدی علیه آنها وجود دارد به آن واکنش نشان می‌دهند و این واکنش اغلب در سطح ایجاد موازنه یا بازداشتن تهدیدکننده است و تنها در شرایطی که معضل امنیت جدی تلقی گردد واکنش سخت‌تری به شکل بروز تعارضات رخ خواهد داد (ترابی، محمدیان، ۱۳۹۴: ۶۸).

تصمیم‌گیری در مورد سیاست خارجی یکی از بزرگترین ابزارهایی است که یک کشور برای دستیابی به منافع ملی خود در اختیار دارد. این فعالیت سیاسی برای همه ایالتها محسوب می‌شود. یک سیاست خارجی خوب بدیهی است که یک کشور را در تحقق منافع ملی خود و کسب جایگاه شایسته در میان خیرخواهی ملتها هدایت می‌کند. از این رو مطالعه سیاست خارجی بخش مهمی از مطالعات بین‌المللی را تشکیل می‌دهد. (Bojang, 2018: 54).

بنابراین سیاست خارجی ایران، از رویکرد هسته‌ای گرفته تا سیاست‌های منطقه‌ای آن، ضمن ابتدا بر مبانی ارزشی درونی، واجد نوعی منطق واقع‌گرایانه است. برخلاف دیدگاه‌هایی که رفتار ایران را نوعی خرق عادت در روابط بین‌الملل به تصویر می‌کشند، سیاست خارجی ایران سیاست بر محور درکی واقع‌گرایانه از تحولات بین‌المللی شکل گرفته و می‌کوشد تا از طریق «واقع‌گرایی تدافعی و یا تهاجمی در مواقع لزوم»، اهداف ملی را در برابر خصم بیرونی محقق سازد.

بنابراین در چارچوب نو واقع‌گرایی، به بررسی نقش ایران در خاورمیانه و افزایش حوزه نفوذ منطقه‌ای در شکل دهی به سیاست خارجی پرداخته شده است. به عبارتی برای بررسی سیاست خارجی ایران، ابتدا به سیاست‌های داخلی کشور ایران و سپس به سیاست‌های کشورهای منطقه‌ای مانند عربستان و در آخر به سیاست‌های جهانی مانند سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه و تأثیراتی که بر جایگاه منطقه‌ای ایران دارند، می‌پردازیم.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر چارچوب فوق واجد ویژگی‌های واقع‌گرایانه است، به‌گونه‌ای که ایران در منطقه پرآشوب غرب آسیا برای در امان ماندن از تهدیدات خارجی، انتخابی جز «واقع‌گرایی تدافعی و یا تهاجمی» ندارد. سیاست منطقه‌ای ایران در غرب آسیا نیز واجد شاخصه‌هایی است که ابتدای آن را بر واقع‌گرایی نشان می‌دهد. سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران بر مبنای واقع‌گرایی تدافعی در مواجهه با بیرون از طریق؛ تقویت توان بازدارندگی و دور نگه‌داشتن دشمن از نظر جغرافیایی (توسعه نفوذ منطقه‌ای تا مدیترانه) صورت می‌گیرد. در واقع برخلاف تبلیغات دشمن، رفتار منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران نه به‌واسطه کشورگشایی، بلکه رفتاری کاملاً نرمال و دفاعی به حساب می‌آید. موضوع دیگری که باعث تقویت جایگاه ایران شده است این است که برخلاف رفتار آمرانه آمریکا و سعودی و ... نوع کنش ایران با مخاطبان منطقه‌ای خود از جنس منافع مشترک و همکاری است و به همین دلیل است که گفته می‌شود در «عراق سرلشگر قاسم سلیمانی را خودی می‌دانند» (Benaim, ۲۳: ۲۰۱۸) با توجه به سیاست فشار حداکثری آمریکا تداوم سیاست ایران ذیل «نه جنگ، نه مذاکره» از جمله مصادیقی است که نشان‌دهنده رویکرد واقع‌بینانه در سیاست خارجی کشور است.

موانع و تعارض منطقه ای و عدم ائتلاف ایران و کشورهای منطقه

نظر رسمی جمهوری اسلامی ایران به عنوان فرضیه ی رقیب این مقاله عبارت است از اینکه انقلاب اسلامی ایران به شیعیان جرات داد تا هویت خود را بیان کنند و ابزاری در اختیار آنان گذاشت تا حضور خود را برای دیگران محسوس سازند. در شرایط جدید که به تعبیر گراهام فولر، ((مسلمانان فراموش شده)) بودند، به یکباره به یکی از مهمترین نیروها تاثیرگذار در مسائل منطقه وارد عرصه تحولات خاورمیانه شده اند. (خواججه سروی، ۱۳۹۱: ۵۲). شیعیان همواره در محرومیت شدید قرار داشته اند و تاثیر انقلاب اسلامی ایران در سیاسی شدن جمعیت شیعیان و در اصطلاح آنچه بیداری شیعی و خیزش شیعه نامیده می شود، بر جمعیت های شیعی منطقه آنان را به عنوان بازیگر داخلی در درون حکومت ها مطرح نمود(نادری، ۱۳۹۰: ۱۸۳).

تضاد کشورهای منطقه با ایران را می توان علاوه بر ایدئولوژی ایران، در راستای منافع و امنیت ملی کشورهای منطقه نیز دانست. به عبارتی دیگر سیاست خارجی ایران در برخی موارد به همراهی با منافع و امنیت ملی کشورهای منطقه پرداخته و در برخی موارد به نقطه ی تضاد با سیاست خارجی سایر کشورها رسیده است. به عنوان نمونه می توان از سیاست خارجی متضاد ایران با برخی کشورهای منطقه در راستای اتحاد و ائتلاف با اسرائیل اشاره کرد. در این راستا منافع و امنیت ملی ایران براساس نظریه ی واقع‌گرایی، مخالفت با استراتژی پیرامونی اسرائیل را تأیید می کند و علاوه بر ایدئولوژی شیعی، امنیت منطقه ای و منافع ملی کشورهای منطقه در تضاد با سیاست خارجی ایران قرار می گیرد.

علاوه بر این تعارض کشورهای منطقه ای نسبت به ایران را می توان ناشی از دوگانگی ایدئولوژی و منافع در سیاست خارجی ایران دانست که عدم ارتباط صحیح بین این دو مؤلفه در سیاست خارجی نسبت به کشورهای منطقه منجر به تعارض و رابطه ی تنش زا و تعارض آمیز شده است. به عبارتی عدم استفاده درست و به جا از منافع ملی و یا ایدئولوژی توسط سیاستمداران در ارتباط با کشورهای منطقه را می توان از دلایل دیگر تعارض ایران با کشورهای منطقه دانست.

مورد دیگر نیز اختلاف میان ایران و امارات متحده عربی بر سر سه جزیره خلیج فارس است. دبیر کل شورای همکاری خلیج فارس در ۱۸ دسامبر ۲۰۰۵ در ابوظبی ادعا کرد که به رغم درخواستهای امارات برای مذاکرات مسالمت آمیز مستقیم یا ارجاع مسأله به دیوان بین المللی دادگستری، ایران همچنان به اشغال این جزایر ادامه می دهد. روز ۱۹ دسامبر ۲۰۰۵، آقای حمید رضا آصفی، سخنگوی وزارت خارجه ایران دیدگاههای شورای همکاری خلیج فارس درباره سه جزیره مورد اختلاف در خلیج فارس را «بی اساس و غیرقابل پذیرش» و تکراری توصیف کرد (Fattah, ۲۰۰۵: ۴۲). در جهان کنونی نقش سیاسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان بازیگری بسیار تعیین کننده در سیاست های جهانی و منطقه ای مطرح است. جمهوری اسلامی ایران امروزه عملاً قلمرو ژئوپلیتیک شیعه در جهان را نمایندگی و پشتیبانی می کند و قلمرو نفوذ خود را در آن توسعه می دهد. (Hafeznia, 2017: 162).

با نگاهی به کشورهای شورای همکاری خلیج فارس می توان دریافت که این کشورها بر ایجاد یک نظام امنیتی منطقه ای با حضور قدرت های خارجی تأکید می کنند. ولی ایران، امنیت خلیج فارس را مربوط به کشورهای منطقه می داند و با حضور بازیگران خارجی در منطقه مخالف است.

بررسی تأثیر روابط ایران و عربستان بر جایگاه منطقه ای ایران

فرضیه ی رقیب در این مقاله معتقد است که ایران به عنوان کانون جوامع شیعی در جهان، پس از انقلاب اسلامی نقش آفرینی خود را در جهت نشر آموزه های تشیعی در فضای پیرامونی خود آغاز نمود. امروزه، نقش ایران در منطقه آنچنان موثر و سرنوشت ساز است که هر اقدامی در ایران به عنوان کانون و مرکز شیعی، شیعیان سایر کشورهای منطقه را متأثر می سازد. با این حال برخی قدرت های منطقه ای و فرا منطقه ای بشدت با نفوذ شیعی ایران در منطقه مخالفت می ورزند. از آنجا که شیعیان در مناطق حساس ژئوپلیتیکی سکونت دارند و همین امر به همراه لیدئولوژی انقلابی آنها، منافع غرب را در منطقه به خطر می اندازد، به همین دلیل همواره از پیامدهای منطقه ای انقلاب اسلامی بیم داشته و درصدد کنترل ایران، به عنوان کشوری بوده اند که موقعیتی ویژه در ژئوپلیتیک شیعه دارد. (Fazeli nia, ۲۰۰۷: ۱۴)

اما این مقاله به دنبال تأکید بر این موضوع است که حادثه ۱۱ سپتامبر و مشارکت تعدادی از شهروندان سعودی در این حوادث و واکنش هایی (که در محافل آمریکایی در قبال این موضوع وجود داشت) باعث ایجاد برخی تنش ها بین دو کشور شد و نارضایتی سعودی ها در دوره بوش پسر (از جمله بحث حمله به عراق و نوع سیاست اینها در عراق بود) و سعودی ها معتقدند آمریکا عراق را به ایران تحویل داده از اینرو

تنش هایی ایجاد شد. بعد از این تنش ها هر چند امیدواریهایی وجود داشت از جانب سعودی ها که در دوره اوباما سیاستهای آمریکا تغییر کند و روابط استراتژیک بین دو کشور وجود داشته باشد، اما ما شاهد آن بودیم که در دوره اوباما از جمله بحث جنبش های عربی، آمریکایی ها در واقع رویکرد متفاوتی از آن چیزی که سعودی ها داشتند دارند بحث تحولات مصر و انتظاری که سعودی از آمریکا برای حمایت از حکومت مبارک داشتند که از آن طریق هم تنش هایی ایجاد شد (اسدی، ۱۳۹۵: ۴).

در این دوران به دلیل عدم حمایت مطلق آمریکا از عربستان و کاهش نقش ساختاری این کشور، موجب کاهش سطح تنش ها میان ایران و عربستان شده است. آمریکایی ها در این دوران به نوعی ارتباط و تعامل با ایران در برهه های مختلف اعتقاد داشتند ولی سعودی ها هر نوع نزدیکی بین ایران و آمریکا را به زیان خود در توازن قدرت منطقه ای می دیدند. هر چه روابط ایران و آمریکا به سمت تنش کمتر برود روابط آمریکا و عربستان در واقع به سمت تنش بیشتر می رود.

بنابراین در بررسی روابط ایران و عربستان این متغیر و فرضیه ی جدید در این تحقیق بررسی شده است که روابط ایران و عربستان و آمریکا در راستای تئوری واقع گرایی به طور دومینووار با هم مرتبط هستند. و علی رغم تأکید اکثر تحقیقات بر ارتباط دوستانه آمریکا و عربستان در قبال ایران، در این تحقیق براساس مطالبی که اشاره می شود می توان گفت که سیاست خارجی آمریکا در برخی مواقع حتی بر علیه عربستان و در راستای نزدیکی و همراهی با ایران بوده است. در این راستا می توان از توافقنامه برجام نام برد که برخلاف سیاست های عربستان در مخالفت با این توافقنامه، برجام شکل گرفت و حتی امروزه نیز شاهد احیای برجام با مفاد و شرایط جدید هستیم.

در تصویب برجام که عربستان یکی از مخالفان تصویب برجام بوده است، روابط ایران و عربستان و تنش های این دو کشور تأثیرگذار منطقه بیشتر متأثر از مسائل منطقه ای بوده است که در این راستا در نظام سلسله مراتبی هریک از قدرت ها در نظام بین الملل براساس منافع ملی خود به حمایت از یکی از آنها می پردازند. به عنوان نمونه روسیه در مسائل انقلاب عربی و به ویژه در سوریه و یمن در راستای حمایت از ایران و آمریکا به حمایت از جبهه ی عربستان پرداخت.

پس از تحولات عراق، در سال ۲۰۱۱ منطقه دچار انقلاب هایی با عنوان بهار عربی شد که بر نگرانی های عربستان افزود. کشورهای بحرانی شده بودند از دوستان عربستان سعودی بوده و بالطبع از دست دادن دوستان منطقه ای چون مصر، اردن، یمن و بحرین نمی توانست عربستان را خوشحال کند. این کشور نگران این موضوع نیز بود که تحولات حادث شده به داخل کشور خود نیز کشیده شود. این بحرانها در دولت هایی که نظامهای سیاسیشان پیوندهایی سیاسی و امنیتی نیرومندی با آل سعود در ریاض داشتند به ویژه با توجه به احتمال چرخش رژیم های انقلابی این کشورها به سمت ایران، حساسیت های امنیتی عربستان سعودی را شدت بخشیده بود. چرا که در گستره وسیع خاورمیانه سیاست خارجی عربستان سعودی در رقابت و همچشمی با جمهوری اسلامی ایران تعریف می شود.

بدون تردید یکی دیگر از مسائلی که نقش مهمی در تنش بین ایران و عربستان داشت؛ توافقنامه برجام بوده است. در این دوران دیگر تنها یک قدرت، مذاکره در راستای توافق هسته ای را در دست نداشت بلکه

تعدادی از قدرت‌ها در این راستا با ایران به مذاکره پرداختند و براین اساس نقش مهمی را در افزایش تنش بین ایران و عربستان ایفا کرد. ایران پس از انقلاب اسلامی برای اولین بار توانست روابط خود با آمریکا و جامعه بین‌المللی را در چارچوب مذاکره بر سر موضوع هسته‌ای بهبود بخشد. تغییر وضعیت ایران از یک کشور خطرناک برای جهان و منزوی به کشوری فعال و دارای ارتباط جهانی قطعاً باعث نگرانی عربستان سعودی می‌شد چرا که ارتباط ایران با آمریکا و دنیای غرب و آزاد شدن پولهای بلوکه شده ایران که علاوه بر توسعه در داخل، کمک به متحدین منطقه‌ای را نیز بیشتر امکانپذیر می‌کرد در نهایت موقعیت منطقه‌ای و جهانی را به نفع ایران تغییر می‌داد. توافق برجام باعث بلوک‌بندی و همگرایی کشورهای منطقه نیز شد. این همگرایی از یک طرف بین عربستان و کشورهای نظیر اسرائیل، مصر، بحرین و امارات به وجود آمد و از سوی دیگر بین ایران، قطر، ترکیه عمان و سوریه شکل گرفت. با روی کار آمدن ملک سلمان در سال ۲۰۱۵ تغییراتی جدی در سیاست های عربستان به وجود آمد و نسبت به ایران تهاجمی تر شد. همراهی و نزدیکی آمریکا با عربستان در این دوره و به ویژه با شروع دوران ترامپ که برجام را یک طرفه نقض کرد تنش‌های بین ایران و عربستان به اوج خود رسید. در این زمان ترامپ به عربستان سفر کرد و سیاست دنباله روی سخت عربستان از آمریکا منجر به انعقاد قراردادهای تسلیحات نظامی بسیار مهم بین دو کشور شد. عربستان در راستای تحریم های بیشتر بر ایران و هر چه ضعیف تر کردن کشورمان، با سیاست های نفتی آمریکا که تولید بیشتر و به تبع آن کاهش قیمت را به دنبال داشت نیز همراهی کرد. پس از اینکه ولایتعهدی از بن نایف به بن سلمان منتقل شد سیاست های عمل گرایانه سعودی ها که همراه با توسعه اقتدارگرایی بود به سمت و سوی تنش در منطقه پیش رفت. از وجوه این تشدید تنش ها، چالش های سیاسی و در سطحی دیگر که تا حدودی رنگ و بوی نظامی نیز به خود می گرفت (حمله به آرامکو) می‌باشد.

حکومت‌های ایران و عربستان که بر پایه آیین‌های شیعی و سلفی (وهابیت) شکل گرفته‌اند، رقیبان ایدئولوژیک یکدیگر شمرده می‌شوند. در این راستا عربستان سعودی سرمایه‌گذاری هنگفتی در گسترش و نهادینه کردن نظم سلفی در مقابل نظم شیعی انقلاب اسلامی ایران، در منطقه و جهان اسلام انجام داده بود، هرچند بعد از حوادث یازده سپتامبر، ایدئولوژی سلفی در منطقه و جهان اسلام به دلیل رویکرد افراطی و خشونت‌گرایی، مورد هجمه سنگین قرار گرفت ولی بعد از تحولات انقلابی جهان عرب عملاً نسخه معتدل ایدئولوژی سیاسی سنی، یعنی نظم اخوانی پارادایم موازی و مقبول برای بیشتر انقلابیون و کنشگران جنبش بیداری شد. نظم اخوانی با وجود رقابت، در کل رویکرد انعطاف‌گرا و تعامل محور با نظم انقلاب اسلامی دارد. بنابراین شاید بتوان گفت برجسته‌ترین وجه تعارض عربستان با ایران همین مقوله ایدئولوژی باشد و از آنجا که این عامل نقش شالوده‌ای در شکل‌گیری ذهنیت و افکار سیاستمداران هر کشور دارد، پرداختن به آن راه‌گشای شناخت اصولی این تعارض‌هاست (سلیمانی پور ۱۳۹۳، ۶).

موضوعی در سطح منطقه مطرح شد و آن اینکه جمهوری اسلامی در حال ایجاد هلال شیعی از ایران، عراق، سوریه و لبنان است اما این موضوع بسیار در جهان اسلام مساله آفرین شد و عربستان سعودی به عنوان محور جهان اهل سنت این مساله را باور کرد و پذیرفت.

نیروی دریایی عربستان دارای دو منطقه کلی شرقی در خلیج فارس و غربی در دریای سرخ است. تجهیزات دریایی عربستان تهدیدات عمده ای برای ایران محسوب می شوند که یکی از این تجهیزات شامل چهار فروند ناوهای کلاس مدینه ساخت فرانسه مستقر دریای سرخ مجهز به سیستم های موشکی-پدافندی-توپ دریایی-وباند هلی کوپتر و ضد زیر دریایی ساخت ۱۹۸۰ و... (<http://www.centralcl...opic-to۰۱۲۴.htm>).

متعاقب حمله امریکا به عراق و سقوط صدام، نظم گذشته در منطقه فروریخته و هر یک از بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای درصدد برقراری نظم مورد نظر خود برآمدند. لذا شاهد افزایش نسبی قدرت ایران در منطقه بودیم. از اینرو برخی از کشورها به ویژه عربستان و امارات از این مسئله نگران هستند و از هر نوع اقدامی استقبال می کنند که به کاهش قدرت جمهوری اسلامی ایران منجر شود. (ملک محمدی و داودی، ۱۳۹۱: ۲۳۲)

ویژگی های قومی، مذهبی، زبانی و ژئوپلیتیک ایران و تعارض این ویژگی ها با اعراب سبب شده است تا این کشور نتواند روابطی پایدار و مطمئن با آن ها برقرار نماید. یافته ها نشان می دهد که سه گفتمان مذهبی، قومی و ژئوپلیتیک مهم ترین عوامل تأثیرگذار بر نوع نگاه اعراب نسبت به ایران است. (نجفی فیروزجایی، ۱۳۸۸: ۱۸)

تاریخ سیاست اعراب نشان می دهد که منازعات مشهودی بین فرهنگ ایرانی و سامی، وجود داشته است. عراق خط گسل فرهنگی با ایران محسوب می شود و امارات متحده عربی انعکاس رقابت های سرزمینی با ایران است و در نهایت، عربستان سعودی رقیب ایدئولوژیک ایران تلقی می شود. (متقی، ۱۳۹۰: ۱۵۲ و ۱۵۳)

ملی گرایی اعراب ابتدا با رهبری جمال عبدالناصر غلظت یافت و با توجه به عدم هماهنگی رژیم گذشته ایران با اعراب در مبارزه با اسرائیل، در تقابل با این احساسات قرار گرفت. گونه ای دیگر از تقابل فرهنگی خود را در تمایز شیعه-سنی برجسته می کند و به مثابه سازه ای هنجاری هویتی، درک سیاست خارجی اعراب نسبت به جمهوری اسلامی ایران را سامان می دهد. این امر نشان دهنده آن است که غرب موفق شده است که ایران هراسی و شیعه ترسی را کاملاً در ذهن برخی رهبران عرب و در پی آن، برخی محافل مردمی، سیاسی و مطبوعاتی جهان عرب جا بیندازد (صیقل، ۱۳۷۳: ۱۴۰).

پس از ارائه طرح فرآیند صلح خاورمیانه، نقشه راه و نهایتاً طرح خاورمیانه ی بزرگ، همواره ترتیبات امنیتی و موازنه ساز از سوی آمریکا با بازیگری کشورهای عربی علیه قدرت یابی ایران شکل گرفته است و بدین ترتیب، با مقاصد سیاسی، اقتصادی و نظامی، پروژه ایران هراسی در بین کشورهای منطقه، به خصوص شیخ نشین های حاشیه خلیج فارس، آغاز شد. اکنون نیز کشورهای فرامنطقه ای ضد جمهوری اسلامی ایران،

در چارچوب ایران‌هراسی در منطقه، در تلاش برای استفاده از این موقعیت، در جهت واگرایی بین ایران و کشورهای عربی هستند.

از نظر نخبگان سنی جهان عرب، ابزار اصلی ایران در افزایش نقش منطقه ای خود، گروه های شیعی طرفدار در منطقه، بخصوص در عراق و لبنان هستند. شیعیان حاشیه خلیج فارس در یک خط ساحلی که تقریباً تمامی سواحل خلیج فارس را در بر می گیرد ساکنند و با توجه به نفت خیز بودن این سرزمین ها، می توان گفت مهم ترین بخش های خلیج فارس در اختیار شیعیان است. (قاسمی، ۱۳۸۹: ۷۷)

تحولات عراق و روی کار آمدن نخستین حکومت شیعی در کشوری عربی و نیز آغاز بهار عربی در خاورمیانه و به ویژه در بحرین، این نگرانی را برای سران عرب ایجاد کرده است که شیعیان منطقه خواهان نقش بیشتر در ساختار سیاسی و اقتصادی کشور خود هستند و پیامد این امر به فشار بر ساختار سیاسی و محدودیت قدرت آنها منجر می شود (دلورپور اقدم، ۱۳۸۸: ۶).

روند تحولات منطقه ای بیانگر این واقعیت است که ایران درصدد است به قدرت برتر منطقه ای تبدیل شده و ضمن مخالفت با حضور نیروهای فرامنطقه ای درصدد ایفای نقش برآید. در این راستا، فعالیت های ایران محور عمده نگرانی کشورهای عربی و غربی را فراهم کرده است. این عوامل شامل مسئله هسته ای ایران، افزایش توانمندی های نظامی و موشکی و نیز مداخله ایران در امور داخلی کشورهای منطقه می شود.

با بروز تحولات جدید سیاسی در عراق و منطقه بی تردید جایگاه و اهمیت منطقه ای ایران افزایش پیدا کرده است. بر این اساس، حمایت از دولت مرکزی عراق و کمک به آن برای کنترل ناامنی و بی ثباتی و مدیریت تنش های قومی و مذهبی، حمایت از وحدت و حفظ یکپارچگی و تمامیت ارضی عراق در کانون سیاست خارجی ایران در قبال عراق پس از صدام قرار دارد. (واعظی، ۱۳۸۶: ۴)

نگرانی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نسبت به دخالت ایران در امور داخلی کشورها در پی انقلابات در کشورهای عربی بخصوص بحرین تشدید شده است. از نظر اعضای این شورا و بخصوص عربستان، هرگونه قدرت گیری شیعیان در بحرین به افزایش نفوذ ایران می انجامد و خطر را به دروازه های این کشور می رساند. مسئله تنش آفرین دیگر، «صلح خاورمیانه» است. موضع ایران همواره حمایت کامل از مردم فلسطین و نفی رژیم اسرائیل بوده است ولی عربستان و شورای همکاری خلیج فارس بعد از جنگ دوم خلیج فارس، آمادگی خود را برای برقراری روابط با اسرائیل اعلام کردند. (نادری نسب، ۱۳۸۹: ۳۲۸)

بررسی نقش آمریکا در جایگاه منطقه ای ایران

بازیگر اصلی فرامنطقه ای آمریکا است که در جستجوی اهداف اقتصادی و ژئواستراتژیک، فرآیندهای منطقه ای را با اجرای استراتژی های خاصی در کنترل می گیرد. (سیمبر و قاسمه، ۱۳۸۹: ۹۱-۹۲). تلاش آمریکا برای تضعیف، تخریب و حتی حذف نقش جمهوری اسلامی ایران، بر ایفای نقش جمهوری اسلامی ایران در منطقه تاثیر منفی داشته است. (اطاعت، ۱۳۸۸: ۱۰-۱۷)

بعد از لغو برجام از سوی آمریکا و رویکرد کشورهای منطقه در خصوص خروج آمریکا، باید گفت که سیاست خارجی ایران از ایدئولوژی اسلام شیعی در راستای منافع ملی و امنیت منطقه ای استفاده می نماید، هرچند موجبات ایران هراسی و یا مخالفت برخی قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای می گردد، لیکن این امر ماهیت مسالمت آمیز سیاست خارجی ایران را نشان داده که بر طبق نظریه ی واقع گرایی، امنیت و قدرت را سرلوحه ی سیاست خارجی خود در منطقه قرار داده است.

گفتمان انقلاب اسلامی از یک سو، قرائت های اسلامی رادیکال (داعش)، محافظه کار (اسلام آمریکایی) و لیبرال (نواندیشان دینی) را غیر اصیل می داند و از سوی دیگر می کوشد اصالت و حقانیت خود را در مقابل گفتمان های غیر اسلامی (همچون لیبرال دموکراسی) حفظ نماید (نادری، ۱۳۹۶: ۸۱).

امریکا سعی دارد ایران را در کشورهای عربی، جایگزین اسرائیل کند یعنی نگرانی از اسرائیل به نگرانی از ایران سوق داده شود. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۶۱)

از سال ۲۰۰۶ به بعد، تلاش ایران برای دستیابی به فناوری صلح آمیز هسته ای و در کنار آن افزایش تهدیدات و مخالفت های غرب با این اقدام، فضایی را ایجاد کرده که با هراس آفرینی های غرب بازار خرید تسلیحات نظامی به وسیله اعراب را تشدید کرده است (روحانی، ۱۳۸۸: ۱۹ و ۲۸).

در واقع رویکرد قدرت های غربی به ویژه آمریکا در خصوص تخصیص و مقابله گرایی علیه ایران و اقداماتی که تحت عنوان ایران هراسی مطرح است بر سیاست های نظامی - امنیتی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس اثر گذاشته است (ملک محمدی و داودی، ۱۳۹۱: ۲۴۴).

با تحولات سال های ۲۰۰۳ به بعد در عراق که موجب روی کار آمدن حکومتی با اکثریت شیعه برای نخستین بار در تاریخ این کشور شد، موجب ناخرسندی شدید کشورهای سنی عرب منطقه گردید و بزرگ نمایی و خطرناک جلوه دادن برنامه صلح آمیز هسته ای ایران از سوی آمریکایی ها سبب شد تا مجدداً روحی تازه در کالبد این ائتلاف دمیده شود (امامی، ۱۳۸۴: ۶۰۱).

مقابله با نفوذ و بسط لیدئولوژی ایران در خاورمیانه از اهمیت ویژه ای در نزدیکی هرچه بیشتر ایالات متحده و عربستان برخوردار است. افزایش عمق استراتژیک ایران در خاورمیانه بالاخص در یمن و سوریه برخلاف منافع ایالات متحده، ضد امنیت رژیم صهیونیستی و در نهایت خطری است در جهت ادامه حیات عربستان. دولت جدید ایالات متحده در راستای مقابله با ایران که خطری بالقوه برای شرکای منطقه ای آن به حساب می آید بوسیله بازتعریف تهدید تروریسم و تروریسم پروری ایران، سعی در ایجاد ائتلاف منطقه ای علیه ایران دارد. در مقابل وضعیت آنارشیک نظام بین الملل بعنوان مهمترین ویژگی این نظام باعث تلاش عربستان برای جستجوی امنیت از طریق ایجاد ائتلاف راهبردی با قدرت های بزرگ شده است (اسدی، ۱۳۹۶: ۳).

در سالهای اخیر ایالات متحده بدلیل ناتوانی در آغاز جنگ جدید به منظور پیشبرد اهداف خود به جنگ های نیابتی روی آورده است. جنگ یمن یکی از جنگ هایی است که بدین منظور برای مقابله با

حاکم شدن ایدئولوژی ایران در یمن، توسط عربستان سعودی اتفاق افتاد (التیامی نیا، عزیزآبادی و تاجیک ، ۱۳۹۶: ۵۴).

دولت اسرائیل به رهبری بنیامین نتانیاهو اولویت های خود را بر روی سه عامل اصلی تعیین می کند: مخالفت با ظهور یک کشور فلسطین، تقویت قدرت نظامی اسرائیل و به چالش کشیدن اهرم ایران در خاورمیانه. (Dentice, ۲۰۱۹: ۵۱).

ترکیه اولین کشور با اکثریت مسلمان بود که به طور رسمی کشور اسرائیل را به رسمیت شناخت، تنها یک سال پس از اعلامیه دولت یهود (۲۸ مارس ۱۹۴۹) اسرائیل تأمین کننده مهم اسلحه به ترکیه بود. همکاری های نظامی، استراتژیک و دیپلماتیک بین ترکیه و اسرائیل توسط دولت های هر دو کشور در اولویت قرار گرفته است که نگرانی های مربوط به بی ثباتی های منطقه ای در خاورمیانه را به اشتراک می گذارد (Zvi Bar'el, 2009: 11).

ایران هراسان مدعی هستند که ایران به دنبال دستیابی به سلاح های کشتار جمعی خصوصاً تسلیحات هسته ای است تا در برابر اسرائیل — دشمنی که از قبل به این تسلیحات دسترسی دارد — از خود دفاع کند (عابدی، ۱۳۹۸: ۱۱).

در نگاهی دیگر پروژه ایران هراسی عربی با توجه به موضوع اختلاف بین شیعه و سنی با هدف ایجاد رعب و ترس در میان کشورهای عربی سنی مذهب منطقه تحت عنوان خطر گسترش قدرت تشیع با محوریت ایران و همچنین اثرپذیری از تبلیغات سنگین و احساس خطر در برابر گسترش و نفوذ شیعه، از سوی دولتمردان کاخ سفید و سران رژیم صهیونیستی دنبال می گردد و همین مسئله زمینه مسابقه تسلیحاتی را برای کشورهای عربی فراهم می کند تا از این رهگذر مجتمع های تسلیحاتی و نظامی آمریکا از رونق کاری برخوردار گردند. (جنگ نرم، ۱۳۸۹: ۵).

بر اساس توافق برجام، تحریم تسلیحات سبک و متعارف ایران در سال ۲۰۲۰ و تحریم تسلیحات سنگین و موشکی در سال ۲۰۲۳ و در سال ۲۰۲۵ هم قطعنامه های پیشین سازمان ملل علیه ایران که عمدتاً قطعنامه های فصل هفتمی بودند دیگر قابلیت بازگشت خود را از دست می دهند. بنابراین نتانیاهو با برجسته سازی تهدید موشکی ایران سعی می کند که این تحریم ها تمدید شود. (محمد مراد، ۱۳۹۸: ۳-۴).

نتانیاهو در دیدار با جان بولتون، مشاور امنیت ملی ایالات متحده در اواسط ماه اوت ۲۰۱۸، ترامپ را به خاطر کنار گذاشتن توافق هسته ای "وحشتناک" تقدیر کرد. در همان جلسه، نتانیاهو ادعای مورد علاقه و بی اساس خود را تکرار کرد که توافق هسته ای "مسیر ایران را به سمت بمب مسدود نکرده است"، اما در واقع "مسیر ایران را به یک زرادخانه هسته ای هموار کرده است". (Meir, ۲۰۱۸: ۱۴). اسرائیل ایران را به دلیل برنامه های هسته ای و موشکی، حمایت از گروه های خشن ضد اسرائیل در منطقه و فراخوان های مکرر برای نابودی کشور یهودی، یک تهدید وجودی می داند. (DEITCH, ۲۰۱۸: ۶).

در فضای به چالش کشیده شدن برجام و نقض آن توسط ایالات متحده امریکا، بازیگرانی همچون عربستان سعودی، امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی از این تصمیم دولت ترامپ به شدت استقبال کردند (O'Connor, ۲۰۱۸: ۲). بازدید گسترده مقامات ارشد اسرائیل به کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس نشان از عجله کشورهای خلیج فارس برای "دوستی" با اسرائیل دارد.

رقابت خارجی ایران و عربستان در بستر دو مکتب مذهبی متفاوت به لحاظ متنی (شیعه و اهل سنت) وقوع یافته است. دو کشور به شکل بنیادی در موضوع مذهبی اختلاف نظر دارند. عربستان خود را داعیه دار جهان اسلام می پندارد و حمایت از شبه نظامیان اهل سنت از جمله داعش یا القاعده در بحران های خاورمیانه و شمال آفریقا از جمله اقدامات این کشور در این زمینه است. (Commins, ۲۰۱۴: ۴۱)

ایالات متحده در حال جدا شدن از خاورمیانه است زیرا تمرکز خود را به جای دیگری تغییر می دهد، حرکتی که به طور گسترده در منطقه به عنوان نشانه ای از خروج آمریکا در آینده تلقی می شود. بسیاری در اسرائیل نگران بودند که این امر باعث تقویت ایران و نفوذ آن در منطقه شود. در عوض، این اسرائیل است که قدرتمندتر ظاهر شده است. ایران برای سالها خواستار خروج نیروهای آمریکایی از منطقه شده است، به ویژه پس از ورود نیروهای آمریکایی به خاورمیانه در پی حمله سال ۲۰۰۳ به عراق. ایران حضور نیروهای آمریکایی در مرزهای خود در عراق و افغانستان را تهدیدی برای امنیت ملی خود می دانست. این کشور همچنین حضور نظامی ایالات متحده را به عنوان کمک به اسرائیل، دشمن اصلی منطقه ای خود می دانست. برای رهبری ایران، هرچه حضور نظامی آمریکا در منطقه ضعیف تر باشد، اسرائیل آسیب پذیرتر خواهد شد. علاوه بر این، کاهش حضور ایالات متحده به ایران این امکان را می دهد که مستقیماً یا از طریق نیروهای نیابتی خود، نفوذ خود را در سراسر خاورمیانه گسترش دهد و اسرائیل را بیشتر منزوی کند.

اسرائیل نگران است که بازگشت به برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) به ایران اجازه دهد تا حضور خود را در منطقه از طریق نیروهای نیابتی خود حفظ و گسترش دهد. این یک نگرانی منطقی است. با این حال، در صورت بازگشت ایالات متحده به توافق هسته ای ۲۰۱۵، این بار اسرائیل می تواند روی روابط دیپلماتیک، اقتصادی و نظامی جدید و بهبود یافته خود با کشورهای منطقه، به ویژه امارات و بحرین حساب کند. روابط اسرائیل با سعودی ها نیز بهبود می یابد.

موقعیت جمهوری اسلامی ایران به دلیل قرار گرفتن در جبهه ی مقاومت و در راستای ترویج اسلام شیعی در مقابل وهابیت عربستان، همچنین به دلیل برنامه ی هسته ای خود و مبحث انرژی گاز که همراهی کشورهایی مانند روسیه را در کنار خود دارد، منجر به این شده است که عربستان با ایجاد روند همسو و مشترک در سیاست خارجی خود در مسائل و بحران های منطقه ی خاورمیانه مانند سوریه، یمن و عراق؛ با مسئله ی برنامه ی هسته ای و انرژی ایران در مخالفت و رویارویی با ایران قرار بگیرد. مهترین چالش های بین ایران و کشورهای منطقه بحث مذهب (شیعه و سنی)، سیاست های منطقه ای متفاوت، سازمان منطقه ای همانند شورای همکاری خلیج فارس و دیدگاه متفاوت نسبت به مقوله امنیت، مسابقه تسلیحاتی و ترس از قدرت گرفتن منطقه ای ایران می باشد. ایران و عربستان سعودی دو قدرت مهم منطقه ای با برخورداری از قابلیت ها و موقعیت استراتژیک همواره با یکدیگر در رقابت بوده اند. روابط دو کشور در طول تاریخ وضعیت های مختلفی را به خود دیده و در یکی دو دهه قبل و بویژه در سال های اخیر همراهی کمتری با یکدیگر داشته و با توجه به مسائل پیش آمده در منطقه بیشتر به سمت تنش پیش رفته اند. ایران برای عربستان سعودی رقیب اصلی در منطقه می باشد و گسترش قدرت کشورمان را تهدیدی علیه خود می داند و رفتارهای ایران همواره مورد ارزیابی این کشور قرار می گیرد. در بررسی عوامل تأثیرگذار بر تعارض دو دولت به موارد بسیاری از جمله موضوعات ژئوپلیتیکی، قومی، مذهبی، هویتی و... می توان اشاره داشت.

نوآوری این مقاله نسبت به سایر کارهای صورت گرفته این است که به تأثیر هر دو مؤلفه ی منافع ملی و ایدئولوژی بر سیاست خارجی ایران در منطقه پرداخته است. علاوه بر این از علل فرسایش قدرت ایران در منطقه را می توان ناشی از تعارض کشورهای منطقه ای نسبت به ایران دانست که این امر از عدم درک صحیح سیاستمداران نسبت به دوگانگی ایدئولوژی و منافع در سیاست خارجی است که در نتیجه عدم استفاده درست و به جا از منافع ملی و یا ایدئولوژی توسط سیاستمداران در ارتباط با کشورهای منطقه را می توان از دلایل دیگر تعارض ایران با کشورهای منطقه دانست.

ایران در پیشبرد رویکرد خود در خاورمیانه و کسب همکاری و مشارکت کشورهای عربی برای ایجاد نظام امنیتی مشارکتی با موانعی روبروست که محصول روندهای تاریخی و همچنین تحولات جدید منطقه ای است. عدم اعتماد کامل ایران و کشورهای عربی به یکدیگر، وجود برخی اختلافات سیاسی و حضور آمریکا در خلیج فارس، فروپاشی رژیم صدام در عراق و رویکرد ایران به عراق جدید، تحولات منطقه ای در سال های اخیر که منجر به افزایش نفوذ و قدرت ایران و به تبع آن تغییر موازنه قدرت منطقه ای به نفع ایران منجر شده و سرانجام ترندها و بدفهمی ها در خصوص برنامه هسته ای ایران از مهم ترین موانع محسوب می شوند. مشکلات فوق که براساس نگرش رئالیستی مبتنی بر قدرت و منافع ملی کشورها قرار دارد، تنها با در پیش گرفتن رویکردی همکاری جویانه و کاهش تدریجی عدم اطمینان و بدبینی با پیوند بیشتر منافع تحقق می یابد. بر این مبنا، یک نظام امنیتی مبتنی بر همکاری و مشارکت با افزایش ارتباطات و

پیوندها، گسترش شفافیت اهداف و منافع در حوزه سیاست خارجی کشورها و حل و فصل تدریجی اختلافات و مناقشات موجود و اعتمادسازی، اتکای کشورهای کوچک‌تر به قدرت‌های فرامنطقه‌ای را کاهش می‌دهد و زمینه‌های لازم برای پدیدار شدن یک نظام امنیتی پایدار و توافق شده را در خلیج فارس مهیا می‌کند.

به طور کلی روند پدیده‌های نوظهور در منطقه خاورمیانه پس از یازده سپتامبر در تقارن با ساختار جدید نظام جهانی و تغییر سیاست‌های قدرت برتر نظام جهانی تک قطبی در قبال این منطقه و همچنین سیاست‌های همگرایی منطقه‌ای و بین‌المللی عربستان سعودی در این ساختار جدید و در نظر گرفتن موقعیت و تغییرات قدرت رقیب خود یعنی ایران به ویژه پس از روی کار آمدن ملک سلمان و ولیعهدی محمد بن سلمان موجب هرچه تهاجمی‌تر شدن سیاست‌های این کشور و تنش با ایران شد. با توجه به روابط نزدیک کشورهای عربی منطقه با ایالات متحده آمریکا، نوع مواضع و رویکرد ایالات متحده در قبال ایران بر روابط این کشورها با ایران تاثیر گذار بوده است، بدین گونه که افزایش فشارها علیه ایران (بویژه تشدید ایران هراسی) موجب افزایش تنش‌ها و واگرایی بیشتر در روابط ایران و این کشورها شده است، و آنچه این روند را تشدید می‌کند سیستم اسلامی حکومت، دسترسی به توانمندی هسته‌ای و فناوری‌های دفاعی پیشرفته ایران است.

با توجه به چالش‌ها و مشکلات فوق در منطقه و در راستای رویکرد امنیتی کلی در سطح منطقه، ایران افزایش همکاری‌ها و مشارکت کشورها در ایجاد نظام امنیتی منطقه‌ای پایدار و مورد توافق در نتیجه فرآیند اعتمادسازی و اطمینان بخشی متقابل را در اولویت سیاست خارجی خود قرار داده است. بر این اساس، ایران تلاش‌های متعددی را برای تنش‌زدایی و اعتمادسازی با کشورهای عربی خلیج فارس به انجام رسانده است و مداخله و افزایش حضور آمریکا در منطقه را نه تنها به عنوان مانعی در راه تحکیم پیوندهای خود با کشورهای عربی برای امنیت‌سازی در خلیج فارس تلقی می‌کند، بلکه حتی روابط دو جانبه نظامی-امنیتی آمریکا با این کشورها را به عنوان عاملی عمده در جهت پیشگیری از همکاری‌ها و تعاملات خود با این کشورها به شمار می‌آورد.

منابع

- اسدی، علی اکبر. (۱۳۹۶). سیاست خارجی عربستان سعودی: منابع، اهداف و مسائل، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۱.
- اسدی، علی اکبر. (۱۳۹۵). مهمترین اختلافات آمریکا و عربستان، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح. اطاعت، جواد و نصرتی، حمید رضا. (۱۳۸۸-۱۳۸۷)، جمهوری اسلامی ایران و خطوط انتقال انرژی حوزه خزر، مطالعات اورآسیای مرکزی، سال دوم، شماره ۳، زمستان و بهار.
- امامی، محمدعلی. (۱۳۸۴). تأثیر برنامه هسته ای ایران بر کشورهای عرب حوزه خلیج فارس، فصلنامه سیاست خارجی، سال نوزدهم.
- ترابی، قاسم و علی محمدیان. (۱۳۹۴). تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه از منظر واقع‌گرایی تدافعی، فصلنامه سیاست پژوهشی، شماره ۳، دوره دوم، ص ۶۱-۹۰
- التیامی نیا، رضا، عزیز آبادی و تاجیک. (۱۳۹۶). منازعات قدرت و رقابت های ژئوپلیتیک قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای در کشور یمن، فصلنامه پژوهش های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۳۱.
- جنگ نرم (۱۳۸۹). ایران هراسی عملیات آمریکایی، صهیونیستی است، جنگ نرم و عملیات روانی، ۳۱ خرداد.
- خواجه سروی، غلامرضا، رحمنی، مریم، (۱۳۹۱)، انقلاب اسلامی ایران و گفتمان سیاسی شیعه در عراق، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال اول، ش ۳، صفحه ۵۸-۲۹.
- دلاورپورقدم، مصطفی (۱۳۸۸)، شیعه هراسی و جایگاه آن در دیپلماسی امنیتی ایالات متحده، دو هفته نامه پگاه حوزه، شماره ۲۶۱، شهریور.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۸۶)، رویکرد اعراب به برنامه هسته ای ایران، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال چهاردهم، شماره ۲ و ۳، تابستان و پاییز.
- روحانی، حسن (۱۳۸۸)، چشم انداز خاورمیانه: تداوم نگاه غرب یا نگاهی جدید، فصلنامه راهبرد، سال هجدهم، شماره ۵۲، پاییز.
- سلیمانی پور، زهرا، (۱۳۹۳). ترس؛ انگیزه رفتار عربستان در مقابل ایران، پایگاه تحلیلی-تبیینی برهان، ۲۴ دیماه.
- سلیمی، حسین (۱۳۸۴). دولت مجازی یا واقع‌گرایی تهجمی، بررسی مقایسه‌ای نظریه ریچارد روز کرنس و جان مرشایمر. پژوهش حقوق و سیاست.

- صادقی، شمس‌الدین و کامران لطفی (۱۳۹۵). جایگاه سوریه در معادلات نظامی - امنیتی روسیه، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۳.
- صیقل، امین (۱۳۷۳)، مفهوم امنیت در خلیج فارس از نظر ایالات متحده، ترجمه‌ی امیر سعید الهی، مجموعه مقالات چهارمین سمینار خلیج فارس، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- عابدی، سجاد، (۱۳۹۸). پروژا ایران هراسی، روزنامه اعتماد، شماره ۴۵۱۴
- عباسی، مجید، (۱۳۹۴). بحران سوریه تبلور نظریه واقع‌گرایی در سیاست‌خارجی جمهوری اسلامی ایران، رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۳۲، پاییز.
- عسگرخانی، ابومحمد، رحمتی، رضا، (۱۳۸۹). بررسی امنیت بین‌الملل: در گذر از نظریه واقع‌گرایی به نظریه پسانوگرایی، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۲۴، زمستان.
- قاسمه، مهری؛ سیمبر، رضا، (۱۳۸۹). سیاست منطقه ای دریای خزر از دیدگاه سازه انگاری با تأکید بر رژیم حقوقی دریای خزر، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۷۲، زمستان.
- قاسمی، فرهاد و احمد مالیه میر (۱۳۹۱). تأثیر محیط راهبردی خلیج فارس بر طراحی نظام بازدارندگی منطقه ای ج.ا.ایران، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال دهم، شماره ۴۰، ص ۱۳۴-۱۰۰.
- قاسمی، محمد علی، (۱۳۸۹). بازیگران مؤثر بر عراق آینده: منافع و سناریوها، مجله مطالعات راهبردی، شماره ۴۷، بهار.
- متقی، ابراهیم و زهره پوستین چی (۱۳۹۰)، الگو و روند در سیاست خارجی ایران، قم: دانشگاه مفید.
- محمدمراد، رضا، (۱۳۹۸). نتانیاهو به ایران هراسی متوسل شده است، خبرگزاری صدا و سیما، کد خبر: ۲۵۵۸۸۸۳.
- مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۹۲)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: سمت.
- ملک محمدی، حمیدرضا و داودی، مهدی (۱۳۹۱)، تأثیر ایران هراسی بر سیاست های نظامی امنیتی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، مجله سیاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۲، شماره ۲، تابستان.
- نادری، احمد، (۱۳۹۰)، نئومکیندریسم و نظریه ریملند شیعی، دوفصلنامه علمی-پژوهشی دین و ارتباطات، سال هجدهم، ش ۲، صفحه ۲۰۷-۱۷۷.
- نادری، مهدی، (۱۳۹۶). دلالت های نظری و عملی انگاره جاهلیت مدرن در گفتمان انقلاب اسلامی، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، شماره ۲۲.
- نادری نسب، پرویز (۱۳۸۹)، چالش های روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان در منطقه، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۱، بهار.
- نجفی فیروزجایی، عباس (۱۳۸۸)، نگاه اعراب به ایران: گفتمان‌ها و رویکردها، پژوهش‌های سیاست خارجی مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- واعظی، محمود (۱۳۸۶)، چالش ها و رویکرد امنیتی ایران در محیط پیرامونی، گزارش راهبردی.

References

Benaim, daneil.(۲۰۱۸), The Next Phase in Iraq s Transition, Center for American Progress.

Bojang .Alieu S. (۲۰۱۸). The Study of Foreign Policy in International Relations, Journal of Political Sciences & Public Affairs ۶(۰۴).

Commins, David .(۲۰۱۴). The Gulf States: A Modern History. London: I. B. Tauris Co Ltd.

DEITCH, IAN .(۲۰۱۸). Netanyahu opposition to Iran deal not shared by all Israelis, <https://apnews.com/۴۶۲۰cc۸f۰ff۴۴۱۹a۱۱۰d۴۰۴۸d۴۶۶۴۷e/>.

Giuseppe Dentice.(۲۰۱۹). Israel's Foreign Policy: No Change in Sight, Istituto per gli Studi di Politica Internazionale.

Meir, Shemuel.(۲۰۱۸). Three years on, the Iran nuclear deal is still Israel's best bet, By +۹۷۲ Magazine August ۲۷.

Tom O'Connor.(۲۰۱۸). Israel's Netanyahu Says on Video He Was Behind Trump's Decision to Leave Iran Deal, Newsweek ۷/۱۸/۲۰۱۸

Zvi, Bar'el. (۲۰۰۹). "Comment / How do Turkey and Israel measure each other's love?". Haaretz. Retrieved ۰ December ۲۰۰۹

Fazelinia, Nafiseh. (۲۰۰۷). Shiite geopolitics and western anxiety about Islamic Revolution. Qom: Shiite Studies publications [In Persian]

Asadi, Ali Akbar (۲۰۱۷) Saudi Foreign Policy: Resources, Objectives and Issues, Quarterly Journal of Strategic Studies, No. ۱ [in Persian]

Asadi, Ali Akbar, (۲۰۱۶). The most important differences between the United States and Saudi Arabia, the International Center for Peace Studies. (in Persian) etaat, Javad and Nosrati, Hamid Reza. (۲۰۰۸-۲۰۰۹). Islamic Republic of Iran and Caspian Power Transmission Lines, Central Eurasia Studies, Second Year, No. ۳, Winter and Spring. [in Persian]

- Imami, Mohammad Ali. (۲۰۰۵). The Impact of Iran's Nuclear Program on the Arab Countries of the Persian Gulf, Foreign Policy Quarterly, ۱۹th year. [in Persian]
- Torabi, Qasim and Ali ,Mohammadian. (۲۰۱۵). Explaining the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran in Relation to the Syrian Crisis from the Perspective of Defensive Realism, Quarterly Journal of Research Policy, No. ۳, Volume ۲, pp. ۶۱-۹۰ [in Persian]
- Altiaminia, Reza, Azizabadi and Tajik .(۲۰۱۷). Power Conflicts and Geopolitical Competitions of Regional and Trans-Regional Powers in Yemen, Quarterly Journal of Political and International Research, No. ۳۱. [in Persian]
- Soft War (۲۰۱۰). Iranophobia of American Operations is Zionist, Soft War and Psychological Operations, ۳۱ June. [in Persian]
- Khajeh Sarvi, Gholamreza, Rahmani, Maryam. (۲۰۱۲).The Islamic Revolution of Iran and the Shiite Political Discourse in Iraq. Scientific-Research Quarterly, Journal of the Islamic Revolution, First Year, Vol. ۳, pp. ۲۹-۵۸. [in Persian]
- Delavarpouraghdam, Mostafa. (۲۰۰۹). Shiism and its place in US security diplomacy", Pegah HozeH biweekly, No. ۲۶۱, September. [in Persian]
- Dehghani Firoozabadi, Jalal .(۲۰۰۷).Arab Approach to Iran's Nuclear Program. Quarterly Journal of Middle East Studies, Fourteenth Year, No. ۲ and ۳, Summer and Autumn. [in Persian]
- Rouhani, Hassan. (۲۰۰۹).The Middle East Perspective: Continuation of the Western Perspective or a New Perspective. Strategy Quarterly, Volume ۱۸, Number ۵۲, Autumn. [in Persian]
- Soleimanipoor, Zahra. (۲۰۱۴).Fear; Motivation of Saudi behavior towards Iran. Borhan Analytical-Explanatory Database, ۲۴ January. [in Persian]
- Salimi, Hussein .(۲۰۰۵). Virtual Government or Aggressive Realism, a Comparative Study of the Theory of Richard Roosevelt and John Mersheimer. Legal and policy research. [in Persian]
- Sadeghi, Shamsaldin and Kamran ,Lotfi. (۲۰۱۵). Syria's position in the Russian military-security equation, Central Asia and Caucasus Quarterly, No. ۹۳. [in Persian]
- Siqal, Amin .(۱۹۹۴). The Concept of Security in the Persian Gulf from the US Perspective, translated by Amir Saeed Elahi, Proceedings of the Fourth Persian Gulf Seminar, Tehran, Office of Political and International Studies. [in Persian]
- Abedi, Sajjad. (۲۰۱۸). Project Iranophobia, Etemad newspaper, No. ۴۵۱۴ [in Persian]
- Abbasi, Majid, (۲۰۱۴). The Syrian Crisis, the Crystallization of the Theory of Realism in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran, The Approach to the Islamic Revolution, No. ۳۲, Fall. [in Persian]
- Asgarkhani, Abu Mohammad, Rahmati, Reza. (۱۳۸۹). Investigating International Security: In Transition from Realism to Postmodernism, Political and International Approaches, No. ۲۴, Winter. [in Persian]
- Ghaseme, mehri; Simber, Reza.(۲۰۰۰). Regional Policy of the Caspian Sea from a Constructivist Perspective with Emphasis on the Legal Regime of the Caspian Sea, Journal of Central Asian and Caucasus Studies, No. ۷۲, Winter. [in Persian]

- Ghasemi, Farhad and Ahmad Maliyeh Mir .(۲۰۱۲). The Impact of the Persian Gulf Strategic Environment on the Design of the Regional Deterrence System of the Islamic Republic of Iran, Quarterly Journal of Defense Strategy, Year ۱۰, No. ۴۰, pp. ۱۳۴-۱۰۰. [in Persian]
- Qasemi, Mohammad Ali, (۲۰۰۰). Stakeholders in the Future of Iraq: Interests and Scenarios, Journal of Strategic Studies, No. ۴۷, Spring. [in Persian]
- Mottaghi, Ebrahim and Zohreh, Postinachi. (۲۰۱۱), Model and Trend in Iranian Foreign Policy, Qom: Mofid University. [in Persian]
- Mohammad Murad, Reza.(۲۰۱۹). Netanyahu has resorted to Iranophobia, Radio and Television News Agency, news code: ۲۰۰۸۸۸۳. [in Persian]
- Moshirzadeh, Homeira. (۲۰۱۳). Evolution in International Relations Theories, Tehran: Samat. [in Persian]
- Malek Mohammadi, Hamidreza and Davoodi, Mehdi. (۲۰۱۲).The Impact of Iranophobia on the Military Security Policies of the GCC Countries.Journal of Politics, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Volume ۴۲, Number ۳, Summer. [in Persian]
- Naderi, Ahmad. (۲۰۱۱).Neo-Machindism and the Theory of Shiite Rimland. Bi-Quarterly Journal of Religion and Communication, Vol. ۱۸, No. ۲, pp. ۱۷۷-۲۰۷. [in Persian]
- Naderi, Mehdi. (۲۰۱۷). Theoretical and practical implications of the idea of modern ignorance in the discourse of the Islamic Revolution, Journal of the Islamic Revolution, No. ۲۲, pp. ۷۹-۹۸. [in Persian]
- Naderi Nasab, Parviz. (۲۰۱۰).Challenges of the relations between the Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia in the region.Quarterly Journal of Politics, Journal of the Faculty of Law and Political Science, Volume ۴۰, Number ۱, Spring. [in Persian]
- Najafi Firoozjaei, Abbas .(۲۰۰۹).Arab View of Iran: Discourses and Approaches", Foreign Policy Research, Expediency Council. [in Persian]
- Vaezi, Mahmoud .(۲۰۰۷).Iran's Challenges and Security Approach in the Surrounding Environment. Strategic Report. [in Persian]